

داعش

نوستالژی خلافت

نویسنده: فؤاد ابراهیم

ترجمه: محمدرضا بلردی - میترا فرهادی

شناسه	ابراهيم فؤاد Ibrahim, Fuad
عنوان قراردادى	داعش: من التجدى الى البغدادى نوستالجيا الخلافة. فارسى
عنوان و نام پديدآور	داعش نوستالژى خلافت/ نویسنده فؤاد ابراهيم: ترجمه محمدرضا بلوردی، میترا فرهادی
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهرى	۲۵۷ ص.
شابک	978-600-8438-02-01
وضعیت فهرست‌نویسى	فيا
یادداشت	کتابنامه: ص ۲۵۳-۲۵۷.
موضوع:	داعش
موضوع	Is Organization :
موضوع	تروریست -- عراق
موضوع	Terrorists - - Iraq :
موضوع	تروریست‌ها -- سوریه
موضوع	Terrorists - - Syria
موضوع	تروریست -- عربستان سعودی
موضوع	Wahhabiyah - - Saudi Arabia
شناسه افزوده	بلوردی، محمدرضا، ۱۳۵۴ - مترجم
شناسه افزوده	فرهادی، میترا، ۱۳۶۰ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره	۶۱۱۳۹۵ ۱۶۴ ۵/۱۲ HV ۶۴۳۲
رده‌بندی دیوبی	۳۰۳/۶۲۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۴۴۲۹۳۰۹ :

www.asnoor.ir
Email:info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

نام کتاب: داعش؛ نوستالژی خلافت
نویسنده: فؤاد ابراهيم
مترجم: محمدرضا بلوردی - میترا فرهادی
ویراستار: خالد کریمی
صفحه‌آرایی: مرضیه روشن‌روان
طراح جلد: جواد حسین‌خانی
چاپ و صحافی: شرکت نقش‌رنگ خجستگان
نوبت چاپ: اول - مهر ۱۳۹۵
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
قیمت: ۲۰۰/۰۰۰ ریال

سخن ناشر

حمله آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳، زمینه مساعدی برای رشد و تکثیر گروه‌های افراطی و تروریستی در منطقه خاورمیانه به وجود آورد. اگرچه فعالیت این گروه‌ها در آغاز محدود به عراق بود، اما قرائن نادرست از دین و حمایت برخی از کشورهای منطقه‌ای و بازیگران بین‌المللی باعث ایجاد فضای مناسبی برای افراط‌گرایان شد. نقطه اوج این تحولات به وقایع سوریه مرتبط می‌شود که موجب شد گروه‌های افراطی و تروریستی با حمایت کشورها و بازیگران خارجی، فضا و قلمرو فعالیت خود را گسترش دهند. این درحالی بود که برداشت‌ها و تلقی‌های افراطی این گروه‌ها از دین اسلام باعث شد که آنها با تفسیر انحرافی گزینانه در پی احیای خلافت برآیند.

مهم‌ترین گروهی که با این هدف شکل گرفت، «داعش» است. این گروه با عناوینی همچون «سازمان القاعده در عراق» و «دولت اسلامی در عراق» شناخته می‌شود. اما با وجود گرایش توسعه‌طلبی و زمینه مناسب برای آن (بحران سوریه)، رصد گسترش برآمد و با ورود به سوریه، خود را «دولت اسلامی در عراق و شام» نامید. داعش که خود را وارث حقیقی و مطلق خلافت تلقی می‌کند، با جنایت‌های بی‌شمار، آزار و کشتار مرده به تلاش کرد دولت مطلوب و آرمانی خود را در عراق و سوریه برپا کند.

کتاب حاضر تحت عنوان «داعش؛ نوستالژی خلافت» که توسط «فؤاد ابراهیم» یکی از نویسندگان و تحلیلگران برجسته جهان عرب، به رشته تحریر درآمده، نگاهی مؤلف کافانه و دقیق به ابعاد مختلف شکل‌گیری و گسترش داعش دارد. در فصول نخست کتاب به بررسی حمایت دینی و سیاسی و همچنین نحوه شکل‌گیری تفکرات سلفی در میان اهل سنت و آرمانشهر مدنظر آنها پرداخته شده است. در واقع این فصول نشان می‌دهد بنیان‌های تفکر داعش پیش از شکل‌گیری آن نیز وجود داشته است. در فصول بعدی، نویسنده به شکل‌گیری داعش در عراق و شام پرداخته و ابعاد مختلف آن، از جمله رابطه و اختلاف با القاعده را مورد بررسی قرار داده است. در فصل پایانی کتاب نیز نویسنده به این مسئله پرداخته که داعش به عنوان گروهی که موجودیت خود را مدیون آل سعود است، می‌تواند انحصار نمایندگی وهابیت نزد عربستان سعودی را بشکند و در

نهایت به چالشی بزرگ برای آن مبدل شود.

با این اوصاف کتاب حاضر می‌تواند در برطرف کردن برخی از سوء برداشت‌ها نسبت به ریشه‌های شکل‌گیری و نحوه تداوم حیات داعش و حتی چشم‌انداز آن مؤثر باشد. در پایان لازم است به این نکته توجه شود که برخی از اصلاحات، مفاهیم و عبارات‌های به کار رفته در این کتاب مورد تأیید مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور نیست. به عنوان مثال، در برخی جملات از اصطلاح «مجاهدان»، «جهاد»، «دولت اسلامی»، «سلفیه جهادی»، «گروه‌های سلفی - جهادی» و... برای توصیف گروه‌های تروریستی و افراطی نظیر القاعده و داعش یا از اصطلاح «رافضی»، «مجبوس» و... در خطاب به شیعیان استفاده شده که مؤسسه صرفاً به منظور حفظ امانت در ترجمه از این اصطلاح‌ها استفاده کرده است؛ ضمن آنکه با توجه به تکرار زیاد این اصطلاحات در متن کتاب، امکان جانب‌بازی یا تمیز آنها به واژه‌ای دیگر وجود ندارد و چنین اقدامی می‌تواند معنای جمله را تغییر دهد.

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

مهر ۱۳۹۵

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۲۱	فصل اول: وهابیت بین ابن سعود و اخوان
۲۳	۱. چهارگانه دعوت، امیر، شیخ و انصار
۲۷	۲. اخوان و ابن سعود؛ وهابیت دینی - وهابیت سیاسی
۴۵	فصل دوم: مبارزه با انحراف در وهابیت
۴۷	۱. جماعت سلفیه محتسبه؛ شکل‌گیری شورش مسلحانه
۵۸	۲. نامه‌های جهیمان؛ آرمان شهر امارت وهابی
۷۱	فصل سوم: زمینه‌های فکری سلفیه جهادی
۷۳	۱. جریان صوفیه؛ اولیه؛ اولین محرک سلفیه جهادی
۹۹	فصل چهارم: داعش؛ سوت ه دان
۱۰۱	۱. پیشینه تاریخی
۱۱۰	۲. روند شکل‌گیری داعش
۱۱۸	۳. ریشه‌های وهابیت در کتب دینی
۱۲۵	۴. تکفیر؛ عصیت و هویت
۱۳۴	۵. راهبرد تغییر
۱۳۴	الف) مرحله اول: نکایه
۱۳۷	ب) مرحله دوم: توحش
۱۴۶	ج) مرحله سوم: تمکین
۱۶۱	فصل پنجم: عراق و شام؛ بین القاعده و داعش
۱۶۷	۱. ابومصعب زرقاوی؛ پدر معنوی داعش
۱۹۲	۲. القاعده و داعش؛ منازعه مشروعیت و هویت
۲۱۵	فصل ششم: عربستان سعودی در راهبرد داعش
۲۲۲	۱. محیط مناسب داعش در عربستان
۲۲۷	۲. نظر مردم
۲۳۲	۳. نگاه مطبوعات عربستان به داعش
۲۴۱	۴. پیامدها
۲۴۳	۵. تشدید خطر (۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴م)
۲۴۸	خلاصه
۲۵۳	منابع و مأخذ

مقدمه

به دنبال تسلط گروه داعش بر استان موصل عراق در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴، جریان وهابی در عربستان سعودی و در سطحی پایین‌تر جریان‌های سنی و اخوانی، به ویژه در کشورهای حوزه خلیج فارس خوشحالی و پایکوبی کردند؛ اتفاقی که مجموعه‌ای از سؤالات را در دره موقعیت و جایگاه داعش در بینش مردمی وهابیت، هویت دینی و انتظارات آشکار و پنهان پیروان مذهب وهابیت و اهل سنت از داعش به وجود آورد.

در بحبوحه، روضایی که اقدامات داعش ایجاد کرده بود و با حمله این گروه به مناطق گسترده‌ای از عراق همراه بود، فعالان سیاسی و آزادی‌خواهان مناطق سنی‌نشین عراق که مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشروع و قانونی نیز داشتند، دچار سرخوردگی شدیدی شدند؛ زیرا احساس می‌کردند با «تجاوز» دیگری روبه‌رو شده‌اند و گروه داعش مبارزه سیاسی و مدنی را که به سال می‌کردند، از آنها ربوده است. شبکه‌های ماهواره‌ای منطقه خلیج فارس نیز در تقویت معادله میدانی نقش داشتند؛ به طوری که عملکرد آنها، علیه حرکت مردمی مسالمت‌آمیزی بود که در مناطق سنی‌نشین جریان داشت. نتیجه این فعالیت رسانه‌ای، مطرح شدن داعش به عنوان عامل نجات بخش اهل سنت عراق و به طور کلی عموم اهل سنت منطقه بود و این امر باعث ایجاد دغدغه‌های امنیتی و سیاسی در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد.

در ادامه مشخص شد که داعش پدیده‌ای فکری و سیاسی - اجتماعی زودگذر و اضطرابی نیست و افکار و اندیشه‌های آن نیز در جایی خارج از این دنیا ساخته و پرداخته نشده است. خیلی زود مشخص شد که این گروه در واقع از سلاله پاک! نسل بنیان‌گذار وهابیت است و بر این اساس خطر طرحی که برای آینده عربستان سعودی و به طور کلی منطقه تدارک دیده شده است، آشکار می‌شود.

یکی از پیامدهای ظهور داعش، به ویژه پس از آنکه این گروه در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ خلافت اسلامی خود را اعلام کرد، به خطر افتادن مشروعیت دینی حکومت سعودی

است؛ چراکه دیگر این حکومت، تنها نماینده وهابیت به حساب نمی‌آید. در واقع، اعلام حکومت اسلامی از سوی داعش به معنای از دست رفتن مداوم مشروعیت حکومت سعودی است و این گروه در حال تبدیل شدن به وارث مشروع و قانونی وهابیت است و عربستان سعودی به تنهایی اولین هدف برای پروژه دولت - خلافت به رهبری ابوبکر بغدادی محسوب می‌شود. خلافت بغدادی بر اساس مبانی عقیدتی وهابی درباره ولی امر - یعنی عنصر قریشی که حلقه مفقوده خانواده پادشاهی در شبه جزیره عربستان است - محقق شد. این درحالی است که بر اساس عقاید وهابیت و نظریه پردازان اسلام‌گرایی مانند ابوالفراء حنبلی، ابن خلدون و ابن قیم درباره خلیفه، عنصر قریشی شرایط لازم را ندارد و عنصر جوهری برای خلافت به شمار می‌رود.

در یک لحظه خاص داعش لایه پنهان خود را رونمایی کرد و پرده از ماهیت بسیاری از اعضای خود برداشت کسانی که به جریان دینی وهابیت در عربستان سعودی وابسته بودند. روایت داعشی از دین نشان می‌داد که این افراد وهابی، اعضای بلندپایه و تشکیلاتی غیررسمی سازمان داعش و حتی رعایای دولت آن هستند. هر کدام از این افراد به نوعی وفاداری سرگشته به داعش نشان دادند. در بین افراد کسانی بودند که سلطه داعش بر موصل را «جنبش آزادی بخش» خواندند؛ این موضوع را می‌توان در توییت شیخ سلمان بن فهد عوده در ۱۱ آبان درحالی است که بین او و سازمان‌های سلفی (به طور خاص القاعده و داعش) خصمیت آشکار وجود دارد. برخی از طرفداران داعش نیروها و جنگجویان این گروه را انقلابی نامیدند که روزنامه الجزیره چاپ ریاض از آن جمله است. در فضای مجازی توییت‌های از داعش به تعریف و تمجید از اقدامات جنگجویان داعش پرداختند و آن را در چارچوب انقلابی مردمی دیدند و در عین حال به آن شکل و قالبی مذهبی - فرقه‌ای دادند و آن را به عنوان نبردی سنی - شیعی به تصویر کشیدند.

روز رونمایی از گروه به اصطلاح «دولت اسلامی» یا همان «خلافت» و تاج‌گذاری ابوبکر بغدادی (ابراهیم بن عواد البدری) به عنوان خلیفه مسلمانان، بعضی از پیروان مذهب وهابیت از داخل عربستان سعودی در فضای مجازی با وی بیعت کردند. سؤال کلیدی برای درک رابطه داعش با عربستان سعودی و پیروان مذهب رسمی این کشور نیز در اینجا نهفته است.

شکی نیست که پیروزی‌های داعش در نفوذ به اندیشه و هابیت و آگاهی مردم از آن و به تبع آن از اسلام سنی نقش محوری ایفا کرد. این پیروزی‌ها نتیجه همراهی عوامل متعدد و پیچیده‌ای است که چنین سازمانی را خلق، و سپس ابزارهای موفقیت آن را فراهم کرده است. بنابراین، ترسیم چهره کاملی از گروه داعش، نیازمند بازنگری در ریشه‌های شکل‌گیری آن است تا بتوان به شکل و شمایل کنونی آن رسید. مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری داعش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱. «حرکت ایمانی» که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ با دستور صدام حسین آغاز شد. مقاله خانم «ثناء امام»، نویسنده سوری، در این باره قابل تأمل است. این مقاله که یک ماه قبل از حمله آ‌ه ی‌کا عراق (مارس ۲۰۰۳) منتشر شد، حاوی اطلاعات مهمی درباره تأثیر این حرکت بر وضعیت اجتماعی مردم عراق بود. ثناء امام مقاله خود را بر ظهور دو پدیده «تدین و مسلح شدن شهروندان عراقی» متمرکز کرد.

امام در بحث پدیده «تدین» آنچه شبیه کودتا در ساختار روان‌شناختی عراقی است، سخن می‌گوید و تصریح می‌سند: «آسرت کسانی که به عشق ورزیدن به زندگی دنیوی و استعمال مشروبات الکلی معروف بودند، حالا بر اثر فقر و سختی محاصره، تبدیل به جماعتی متدین شده بودند.» در این راستا، سه‌ان عراق دستورهایی را برای ساخت صدها مسجد در بغداد، طی ده سال پایانی عمر حکومت صدام حسین، صادر کردند. دستورهای رسمی درباره ممنوعیت استفاده از مشروبات «کلی در رستوران‌ها و هتل‌ها صادر شد و مقامات در سال ۲۰۰۰ رسماً کمر به مبارزه با روزه‌پی‌گری بستند و حجاب به پدیده‌ای مشهود در خیابان‌های پایتخت تبدیل شد. البته نمی‌توان ادعای وضعیت را به تمام عراق تعمیم داد؛ زیرا خانم امام از سبک جدید زندگی در فصای سخن می‌گفت که مقر اصلی رژیم و پایتخت بود و نه در سراسر جامعه محافظه‌کار عراق.

ثناء امام با اشاره به نموده‌های دینی حرکت ایمانی در مردم عراق می‌نویسد: «عراقی‌ها برای گریز از سرخوردگی‌های تحریم، عملاً به تدین پناه برده‌اند.» بر اساس نظرسنجی روزنامه النهار لبنان، هفتاد درصد آنها نمازگزار شده‌اند و این موضوع شامل نخبگان سیاسی و فرهنگی نیز شده است.

از نظر خانم ثناء امام پدیده مسلح شدن عراقی‌ها مسئله‌ای است که در عراق وجود داشت و با حمله آمریکایی‌ها به این کشور تشدید شد. آن‌گونه که این نویسنده سوری

می‌نویسد، این تهاجم «از طریق تصمیم‌گیری‌های فردی و یا کمک‌های مالی رسمی، بیشترین سهم را در مسلح کردن شهروندان عراقی داشت.»

خانم امام مشاهدات خود را در پایتخت عراق چنین بیان می‌کند: «در خیابان‌های بغداد که قدم بزنم هر چند لحظه یک‌بار مردانی را خواهی دید که در دستی لوازم خانه و مایحتاج‌شان را حمل می‌کنند و در دست دیگر سلاح؛ گویی اینجا حمل اسلحه، فرهنگی مجاز و بلکه پسندیده است.» او به نقل از یک پاسبان عراقی می‌گوید: «خانه‌ای در عراق نیست که در آن سلاحی یافت نشود... اینجا همه مسلح هستند.»

❁ نوشته ثناء امام، تسلیح مردم عراق در چارچوب سیاست نظامی‌گری صدام حسین، تحت عنوان «ارتش قدس» بود؛ ارتشی که هفت میلیون فرد مسلح را از عناصر بعثی، بازنشسته و منتقل‌شده شامل می‌شد که همگی برای استفاده از سلاح آموزش دیده بودند و گفته می‌شود به دنبال انبساط‌دهی و توسعه برای استفاده از سلاح آموزش دیده بودند و دقیق و بسیار مهم می‌رسند: «این حشمانداز در چارچوب دو پدیده تدین و تسلیح، چهره‌ای ترس‌آور به خود می‌گیرد... ویژه در پرتو سناریوهای بعد از حمله و اوضاع امنیتی که کشور شاهد بود.»^۱

کارکردهای دو پدیده تدین و تسلیح پس از سقوط رژیم بعث به شکلی جنون‌آمیز ظاهر شد و تصویری خونبار و بی‌سابقه را به وجود آورد. این کارکردها محیطی مناسب را برای ائتلاف گروه‌های دینی و مسلح ایجاد کرد و در نتیجه به سازمان‌های سیاسی از دروازه دینی و مذهبی میسر شد.

۲. اشتراک منافع بازماندگان رژیم سابق عراق با طرح فرامرز التائیده و احساس از دست دادن قدرت تاریخی اهل سنت در عراق.

سرخوردگی شدید اهل سنت عراق با شکست تاریخی بعد از سقوط رژیم صدام و اثرات بعدی این شکست، برخی از اهل سنت را به سوی گزینه‌های افراط‌گرایانه کشاند. به این ترتیب طرح ابومصعب زرقاوی، سرکرده القاعده در عراق، حداقل توانست جدال مذهبی بین سنی و شیعه را شعله‌ور کند و این جدال بر اوضاع اهل سنت در بعضی شهرهای بزرگ و به ویژه در پایتخت منعکس شد. تعداد زیادی از خانواده‌های سنی بعد از شعله‌ور شدن آتش تنش‌های مذهبی از پایتخت گریختند. بر

۱. ثناء الإمام، العلمانية تحسر في شوارع بغداد أمام مذبح الحملة الإيمانية، صحيفة (النهار) البيروتية، بتاريخ ۱۵ مارس ۲۰۰۳.

اساس یک تلگرام آمریکایی در سپتامبر ۲۰۰۷، بیش از نیمی از محله‌های بغداد به طرز آشکاری شیعه‌نشین است. در چنین فضایی که دولت مرکزی از پیش‌گرفتن سیاست ادغام ملی فراگیر ناکام ماند، داعش توانست از احساس رو به رشد به حاشیه رفتن، تبعیض و مورد ظلم واقع شدن در میان اهل سنت عراق بهترین استفاده را ببرد.^۱

در اینجا باید به طرح تخریبی پل برمر، حاکم نظامی آمریکایی‌ها، برای تقسیم سهم در عراق اشاره کرد که بر مبنای آن عراق به دولت‌های کوچک‌تر مذهبی و قومی تقسیم می‌شود؛ طرحی که بازماندگان رژیم بعث آن را ایجاد و اشغالگران آمریکایی تقویت کردند. طبقه سیاسی حاکم تحت تأثیر این رویکرد مصیبت‌بار درباره وحدت عراق قرار گرفتند. بافت اجتماعی از هم گسیخت و بنیان‌های وحدت ملی با تقویت جدال مذهبی برای تجزیه کشور متزلزل شد. خطرناک‌تر اینکه طرح آمریکایی‌ها، نخبگان سیاسی و نظامی حاکم در زمان صدام حسین را تشویق کرد تا به گزینه‌های رادیکال روی بیاورند و به سازمان‌های سلفی، تکمیری، مذهبی و افراط‌گرا وارد شوند. در نتیجه، داعش یارگیری را از عناصر مسلح سمدناً سر در ارتش عراق آغاز کرد؛ عناصری که تحت امر صدام حسین خدمت کرده بودند از جمله سرهنگ حجی بکر با نام اصلی سمیر خلیفای، سرهنگ ابوعبدالرحمن بیلاوی، (۱۵ از سماعیل نجم)، سرهنگ محمد ندی جبوری ملقب به الراعی، سرهنگ ابراهیم جاسبی، سرهنگ عدنان لطیف سویداوی معروف به ابومهند، سرهنگ فاضل عبدالله عفری معروف به ابو مسلم، سرهنگ فاضل عیثاوی معروف به ابوالیاس، سرهنگ عاصی عبیدی، سرسک نازن نهیر، سروان نبیل عربی معینی ملقب به ابوعفیف، سروان محمد محمود حیثی معروف به ابوبلال و سروان میسر علی موسی عبدالله جبوری ملقب به ابوماریا فحطامی که مفتی کل جبهه النصره شد.^۲

در نتیجه سیاست ریشه‌کنی بعث (پاکسازی تشکیلات رسمی عراق از اعضای حزب بعث)، ده‌ها هزار افسر و سرباز سنی با سلاح‌هایشان به خانه‌ها بازگشتند؛ بدون اینکه سرنوشت یا چشم‌اندازی در زندگی داشته باشند. جماعتی از اهل سنت خشمگین عراق و اعضای از سازمان القاعده به این نظامیان پاکسازی‌شده پیوستند و به این ترتیب پیش

۱. باتریک کوکیرن، داعش.. عوده الجهادیین، دارالساقي بیروت، ۲۰۱۴، ص ۷۸.

۲. الذکوة هیثم مناع، خلافة داعش.. من هجرات الوهم إلى هجرات الدم، المعهد الاسکندنافی لمقوق الانسان. آب - أغسطس ۲۰۱۴، ص ۹۱.

از آنکه هسته مرکزی فرماندهان میدانی نظامی داعش تشکیل شود، نیروی مسلح قابل توجهی شکل گرفت.

یکی از فرزندان افسران بعثی، داستان ورود پدرش به تشکیلات داعش را این گونه توصیف می‌کند: «پدرم سرتیپ ستاد نیروهای ویژه و مدرس دانشکده نظامی در رژیم سابق بود. او اهل شهر موصل است و هفت سال پیش به داعش پیوست. او مانند سایر دوستانش در داعش متدین نبود؛ اما زمانی که صدام سقوط کرد، فرصت یافت که کتاب‌های دینی را مطالعه کند و به مسجد برود. همه ما از عملکرد فرقه‌گرایانه دستگاه امنیتی عراق تأثیر پذیرفتیم تا اینکه بعد از مدتی او از یک نیروی سکولار و ملی‌گرا به فردی سلفی و اسلام‌گرا تبدیل شد. برخی دوستان پدرم پیش‌تر به داعش پیوسته بودند و این امر نیز شوق را برای پیوستن به داعش شد.»^۱

این داستان نشان می‌دهد که بسیاری از افسران و عناصر نظام سابق به تدبیر از نوع سلفی آن روی آوردند؛ زیرا آن را ناهنگامی امن و راهی برای خروج از بحران هویت می‌دیدند و در آن نقش و سر و شئی یافتند که بعد از سقوط رژیم از آن رنج می‌بردند. با وجود احتمال برخورد بین طرفداران رژیم سابق و اسلام‌گرایان داخلی و خارجی، داعش موفق شده است - حداقل تا الآن - اختلاف‌های ناشی از زمینه‌های فکری سران خود را به گونه‌ای حل کند که برخی از این فرماندهان تظاهر کنند که برای تحقق توافق سازمانی و انسجام فکری درون‌سازمانی به سوی اسلام سلفی متحول شده‌اند. این تدابیر حیل‌گرانه، اختلاف تاریخی در حزب بعث بر سر سرریختن مثل علق مسیحی را تداعی می‌کند؛ اختلافی که با ادعای اسلام آوردن علق حل شد. داعش ادعا می‌کند که علق به تمجید از اسلام و عربیت رسول اکرم (ص) مطالبی نوشته و از بعث سلفی سخن گفته است؛ هر چند این اقدامات، اسلام‌گرایان بین‌المللی را راضی نکرد.

۳. شکست دولت‌های سنی و همین‌طور گروه‌های اسلام سنی سیاسی و بالاحص گروه‌های سلفی و وهابی در ساخت الگویی که خسارت معنوی چند ساله آنها را جبران کند. این شکست در القاعده متجلی شد؛ سازمانی که نتوانست در هیچ‌کدام از کشورهایی که در آنها حضور یافت، اقدام قابل ملاحظه‌ای انجام دهد.

۱. تقریر وائل عصام، عمر الجبوری، ضباط في جيش صدام دربو «وحدات خاصة» لتنظيم «الدولة الإسلامية»، جريدة

«القدس العربي»، ۲۳ نوفمبر ۲۰۱۴، انظر الرابط: <http://www.alquds.co.uk/?p=255086>

۴. گفتمان سلفی - وهابی که گروه‌های متعددی را جذب کرده بود، به دنبال گفتمانی جایگزین و متمرکز بر بیش دینی برگرفته از مرجعیتی معین بود؛ مرجعیتی که هویت، بیش و نقش آن را بازتولید کند. بنابراین، در اخلاص داعش به عقیده بنیادگرای وهابیت و تجسم بخشی آن به تعالیم وهابیت شکی نیست. اختلاف بین داعش و القاعده ریشه‌های فکری هر یک از این دو گروه را نشان داد و آشکار کرد که داعش سازمان سلفی - وهابی خالص است؛ برخلاف القاعده که در صفوف خود عناصری از فرقه‌های متنوع سنی را دارد.

۵. ضرب و زدن به نقاط ضعف. داعش در عراق با برگه فرقه‌گرایی مذهبی بازی کرد. این برگه - ر. مرق عربی بالقوه تقسیم‌شده بر اساس مذهب و فرقه‌گرایی، یک برگه برنده است؛ جایی که اساس دولت ملی فروپاشیده و ضعیف است. در چنین فضایی، داعش جنگ با شیعیان را به جای مبارزه با نیروهای آمریکایی برگزید؛ موضوعی که دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس و بسیاری از شیوخ وهابی را به حمایت از داعش و تأمین مالی آن تشویق کرد. در سوریه، داعش در مناطق دور از مرکز، به ویژه رقه و دیرالزور، گسترش یافت و وارد نبرد با گروه‌های مسلح رقیب، مانند جبهه النصره، جبهه اسلامی و ارتش آزاد شد. داعش معتقد بود که بیش از ورود به جنگ با نظام سوریه، باید زمینه را فراهم، و جای پای خود را مستحکم کند. برخلاف تصور بسیاری، راهبرد نظامی داعش در جنگ با سایر گروه‌های مسلح نه به اجتناب از آن‌ها، بلکه با کاهش تعداد یاوران و جنگاوران این گروه را چند برابر کرد.

۶. دستیابی این سازمان به امکانات زیادی که از اهل ذمه تأمین می‌شد:

کمک‌های رسمی یا مردمی از سوی کشورهای عربی مشخص در حاشیه خلیج فارس (عربستان سعودی، قطر، کویت و امارات)، تسلط بر مناطق راهبردی که دارای نفت و گاز در آن قرار گرفته است، دست‌اندازی بر اموال دولتی نظیر آنچه در موصل رخ داد، تحمیل و تحصیل هزینه‌ها با عناوینی مانند زکات، جزیه و غیره؛ و همچنین سیطره داعش بر انبارهای سلاح و تجهیزات فراوان و پیشرفته در عراق و سوریه.

۷. بهره‌برداری داعش از اختلافات داخلی و تناقضات منطقه‌ای و بین‌المللی. وجود انشقاق‌های شدید سیاسی و دینی در عراق، باعث طولانی شدن عمر داعش و افزایش محبوبیت آن شد. همچنین وجود جدالی منطقه‌ای بر سر مناطق نفوذ، فرصتی طلایی

برای این گروه بود تا از آن در راستای اهداف خود بهره‌برداری کند و یا حداقل خود را به عنوان قدرت بهتر برای تحقق اهداف دولت‌های مورد نظر معرفی، و برای حمایت بیشتر از خود بازاریابی کند. شکی نیست که جدال‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی گروه‌های مسلح، به ویژه داعش مورد بهره‌برداری قرار گرفت و به داعش امکان داد که در سایه طرف‌های حمایت‌کننده و سرپوش‌گذار در برابر جنایت‌های این گروه، گسترش یابد. تصور کنید اگر کشورهای منطقه با حمایت بین‌المللی برای بستن مرزها، منافذ عبور و مرور داعشی‌ها و نیز بستن راه‌های امداد رسانی در اطراف مناطق تحت سیطره داعش، توافق می‌کردند، نتیجه چنین توافقی چه بود؟

۸. شکست تجربه موسوم به «اعتدال سنی»، مسئول زایش جریان‌های رادیکال در جهان اسلام بود. شکست تجربه حکومت اخوان المسلمین در مصر به دلیل خطاهای این جریان، در کنار طرح بازتولید نظام سابق (رژیم مبارک) به وسیله پول‌های سعودی و اماراتی در همدستی با ارتش مصر، امکان تحقق نظریه ولادت جایگزینی که نماینده اعتدال سنی باشد را از بین برد. این مسئله بسیاری از تکفیری‌ها را تشویق کرد تا به طرح‌های رادیکال و خشن بپیوندند. در واقع، این امکان وجود داشت که خطر تکفیری‌های وابسته به سازمان‌های سلفی از جمله القاعده یا داعش را مهار کرد و اشتیاق سنی‌ها را از طریق متحول‌سازی تجربه حکومت دینی دموکراتیک، در شکل سنی آن متمرکز کرد. خلاصه آنکه، شکست تجربه اخوان المسلمین نه تنها به بروز سلفیت تندرو منجر شد، بلکه بازوهای اخوان المسلمین را بر سه سوی سلفی‌گری، تندروی و خشونت کشاند.

باید به این نکته بسیار مهم توجه کرد که بروز و صعود سلفی‌گری در شکل خونبار آن که در داعش متجلی شد، به معنای پیروزی نیست؛ زیرا این خروج از وضعیت معمول و مرسوم و ورود به فاز خشونت و خونریزی، در درون خود شکست و سرخوردگی آشکاری را نمایش می‌دهد. نتایج انتخابات پارلمانی تونس در اکتبر ۲۰۱۴ و به قدرت رسیدن جریان سکولار با شکست اسلام‌گرایان النهضه و سلفی‌ها، نشان‌دهنده تغییر مزاج مردمی است. ناامیدی، بی‌اعتمادی و ترس از عملکرد اسلام‌گرایان به درجه‌ای رسید که مردم پذیرفتند «بازماندگان» یا دولتمردان رژیم سابق به قدرت بازگردند و این اتفاقی بود که در مصر نیز رخ داد و تلاش مشابهی نیز برای

تحقق آن در لیبی صورت گرفت.

۹. عامل مذهبی. این عامل از زاویه‌ای صرفاً مذهبی، عصیت اهل سنت را در وجدان عمومی آنها تحریک می‌کند؛ زیرا مسلمان سنی در طول سه دهه اخیر شاهد شکست دولت‌های سنی بود، در حالی که مسلمان شیعی موفقیت‌های پی‌درپی در سطح حکومتی را با سقوط شاه و برپایی جمهوری اسلامی و با امواج انقلابی منطقه‌ای و جهانی، مانند جنبش حزب‌الله تجربه کرد. پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ بر رژیم صهیونیستی و ارتش آن که شکست‌ناپذیر نامیده می‌شد، انفجار بحرانی فروخته بود. جماعت وهابی اولین جریانی بود که با فتواها و مقالات و موضع‌گیری‌های متعدد مذهبی، تیرگی این بحران شد. در عمق موضوع، هر چند مقاومت نظامی حزب‌الله در جنگ سال ۲۰۰۶ با تیرگی نسبت به عملکرد این جریان روبه‌رو شد، اما پس‌زمینه مذهبی که جماعت وهابی را تربیت کرده بود، باعث شد که رفتارشان به گونه‌ای متناقض بروز کند. در حقیقت، رؤیای شخص وهابی که آرزو داشت این پیروزی یک دستاورد سنی و نه شیعی باشد، در پس مواضع افراطی اتخاذشده از سوی مشایخ و پیروان وهابیت پنهان بود؛ زیرا این موفقیت محبوبیت حزب‌الله و دبیرکل آن، سیدحسن نصرالله، را در سطح جهان اسلام و عرب افزایش داد. بنابراین، بحران سوریه به مثابه فرصت جبرانی بود که جامعه وهابی مدت زیادی انتظارش را کشید تا از محبوبیت مردمی حزب‌الله بکاهد.

از «بهار عربی» انتظار می‌رفت که خلأ وجدان سنی را از رهگذر برپایی حکومت‌های مردمی و دارای سرشت اسلامی سنی پر کند. بسیاری از سنی‌های مسلمان و همچنین غرب انتظار داشتند که گروه اخوان‌المسلمین جایگزین ترجیح سنی برای پرکردن این خلأ شود؛ اما خطاهای فاحشی که اخوانی‌ها مرتکب شدند، موطئه‌های رژیم سعودی و رژیم‌های عرب خلیج فارس برای براندازی محمد مرسی، رئیس‌جمهور اخوانی، و سایر تجربیات اخوانی‌ها خلأ جدیدی را برای سنی‌ها به وجود آورد. بنابراین، داعش تبدیل به ضرورتی سنی شد و توانست با سرعت زیادی خلأ را پر کند. عجیب نبود که داعش با وجود جنایت‌های فجیعش، در میان سنی‌ها با اقبال روبه‌رو شود؛ زیرا عقده‌های متراکم شده گذشته به گزینه‌های مرگ‌آوری منتهی شده بود.

۱۰. شکست گفتمان جهانی سازی به عنوان یکی از جلوه‌های هژمونی آمریکا در

جهان، به ویژه در خاورمیانه که مرکز حیاتی منافع غرب است و نیز تأثیرات این شکست بر مسائل هویتی و حرکت فزاینده به سوی استقلال، مقاومت در برابر طرح‌های غربی‌سازی فرهنگی و ایستادگی در مقابل همه شکل‌های سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی...

اگر زایش القاعده را بتوان واکنشی به حضور نظامی آمریکا در شبه جزیره عربستان و خلیج فارس - به دنبال اشغال کویت از سوی رژیم صدام در سال ۱۹۹۰ و متعاقب آن، توافق‌های دفاع راهبردی دوجانبه بین آمریکا و کشورهای عرب خلیج فارس، شامل ایجا پایگاه‌های نظامی دائمی آمریکا در خاک این کشورها - دانست، می‌توان گفت که ایجاد داعش نیز واکنش به اشغال عراق به دست آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۳ است.

مسلم است که این سازمان‌های تروریستی به تحقق استقلال ملی به روشی که جنبش‌های آزادی‌خواه در سراسر جهان به آن می‌اندیشند و در چارچوب آن عمل می‌کنند، اهتمام ندارند. اما، واضح و اکمنش‌های القاعده و داعش این است که دولت‌های برپاشده در شرق عربی (رژیم‌های وابسته) در هجی کردن القباى استقلال و دفاع از حقوق ملت‌های خود نیز دست‌اندازند. بر این اساس، سازمان‌های مذکور خود را به عنوان آلترناتیوی برای پر کردن خلأ خطرناک حکومت‌ها معرفی کردند و برای خود مشی مشخصی را با هدف بنای رژیم‌های - ایگن ترسیم کردند (در مرحله اول، امارت‌های دینی و در مرحله نهایی، دولت - خلافت).

جهانی‌سازی، دستاویز مناسبی برای سازمان‌های تروریست سراسر سازمان‌های مخالف با سلطه غرب بر جهان و طرح مبارزه در راستای آزادی‌بخشی ملی با همه ادوات سازماندهی و یارگیری و بسیج نیروها شد تا این اقدامات به واسطه مبارزه با گفتمان جهانی‌سازی موجه شود. به این دلیل از ابزارهای رایج ارتباطات جهانی - به شکل اساسی، ابزارهای ارتباط جمعی مانند شبکه‌های اجتماعی اینترنتی - استفاده شد و داعش توانست افراد تحت تأثیر گفتمان جهانی‌سازی را «نجات» دهد و آنها را در طرح دولت - خلافت سازماندهی کند. در نتیجه، داعش برای دو دسته از افراد به گروهی «نجات‌دهنده» و «رهایی‌بخش» تبدیل شد:

نخست، برای کسانی که در قالب کارزار سنی برای احیای مجدد هویت چندپاره‌شده بر اثر جدال عوامل سیاسی، فرهنگی، جهانی‌سازی و امپریالیستی و نیز

برای بازپس‌گیری ابتکار عملی که دولت‌های متسامح با غرب از دست ملت‌های سنی ربودند، مبارزه کرده بودند؛ امری که با بروز فرصت مناسب (بهار عربی)، سقف انتظارات این ملت‌ها را بسیار بالاتر از حد انتظار برد.

دوم، برای آنهایی که برای تحکیم مفاهیم دینی، مطابق با تفسیر وهابی عمل می‌کردند؛ تفسیری که دولت سعودی بر اساس آن پایه‌گذاری شد. در چنین فضایی، داعش به منزله پناهگاه امنی برای انتظارات سرکوب‌شده این دسته ظاهر شد؛ گروهی که رؤیای منطقه‌ای شدن وهابیت را در سر می‌پروراندند. داعش در لحظه بسیار حساسی به گزینه‌ای تبدیل شد که می‌توان بر آن تکیه کرد؛ حتی در ۳ فوریه ۲۰۱۴، زمانی که پادشاه سعودی در فرمانی جنگجویان داعشی سعودی‌تبار در خارج را مجرم دانست و در واقع با برآزگشت‌شان به داخل خاک عربستان بست. بر اثر چنین عواملی تعهد و امتداد داعش بیشتر شد و این گروه تنها پناهگاه محکم آنها و مرکز تجمع افراد مسلح سایر باران‌های تحت تعقیب در سوریه شد. به عبارت دیگر، حتی برداشته شدن چتر حمایت عربستان سعودی و مجرم دانستن آنها از سوی این پادشاهی نیز به گرد آمدن آنها حول محور داعش کمک کرد. در واقع، داعش به بافت محکمی تبدیل شد که گره نهایی آن را جریان وهابی‌های محکم‌تر کردن آن و نزدیک شدنش به وعده نهایی زد.

با تأمل در دیدگاه دینی و مظاهر میدانی داعش، خواهیم دید که این جماعت وارث تاریخی و شرعی نسل افراطی‌هایی است که تربیت شد در عالم محمد بن عبدالوهاب و پیروان او، مانند ارتش «اخوان من طاع الله» هستند؛ تشکیلاتی که عبدالعزیز بن سعود آن را بنا نهاد؛ اما پس از آنکه رؤیای خود را برای تأسیس دولت محققه که کشته شد. در تلاشی برای تجمع دوباره عناصر روایت تاریخی که مؤسس وهابیت و نسل بنیان‌گذارش نوشتند و برای فهم رابطه ایدئولوژیکی با اهداف سیاسی که سازمان داعش را به تجربه وهابیت متصل می‌کند، مهم‌ترین حلقه‌های ارتباط بین عناصر این گروه بسته را بررسی خواهیم کرد.